

دعای ۱۴۸ - در روز عرفه



اللَّهُمَّ إِنَّ مَلَائِكَتَكَ مُشْفِقُونَ مِنْ خَشْيَتِكَ،

خداوندا! فرشتگانت از بیم تو هراسانند،

سَامِعُونَ مُطِيعُونَ لَكَ وَهُمْ بِأَمْرِكَ يَعْمَلُونَ،

شنوا و فرمانبردار تو هستند و به فرمانت عمل می کنند،

لَا يَفْتُرُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يُسَبِّحُونَ،

و شب و روز، بدون سستی تو را تسبیح می گویند.

وَأَنَا أَحقُّ بِالْخَوْفِ الدَّائِمِ لِإِسَاءَتِي عَلَى نَفْسِي،

در حالی که من، سزاوارترم که پیوسته بپیمناک باشم به سبب بدی های که بر خود روا داشته ام،

وَتَقْرِيطُهَا إِلَى اقْتِرَابِ أَجَلِي،

و به سبب کوتاهی های که در حق خود نسبت به نزدیکی اجلم مرتکب شده ام.

فَكَمَّ لِي يَا رَبِّ مِنْ ذَنْبٍ أَنَا فِيهِ مَغْرُورٌ مُتَحَيِّرٌ

پروردگار من، چه بسیار گناهی که من فریفته و سرگشته آن هستم!



اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ أَكْثَرْتُ عَلَى نَفْسِي مِنَ الذُّنُوبِ
وَالْإِسَاءَةِ، وَأَكْثَرْتُ عَلَيَّ مِنَ الْمُعَافَاةِ،

خداوندا، بی شک من در ارتکاب گناهان و بدی ها بر خود
بسیار ستم کردم، و تو نیز بخشش بسیار بر من ارزانی داشتی.

سَتَرْتَ عَلَيَّ وَلَمْ تَفْضَحْنِي بِمَا أَحْسَنْتَ لِي النَّظَرَ
وَأَقْلَلْتَنِي الْعَثْرَةَ،

گناهانم را پوشاندی و با حسن رفتارت، مرا رسوا نساختی و
لغزشم را بخشیدی

وَأَخَافُ أَنْ أَكُونَ فِيهَا مُسْتَدْرَجاً،

اما سخت بیمناکم که این همه نعمت، مهلتی برای
غفلت تدریجی و عذابم باشد.

فَقَدْ يَنْبَغِي لِي أَنْ أُسْتَحْيِيَ مِنْ كَثْرَةِ مَعَاصِيٍّ،

پس شایسته است که از این همه نافرمانی شرم کنم،

ثُمَّ لَمْ تَهْتِكْ لِي سِتْراً،^۲ وَلَمْ تُبَدِلْ لِي عَوْرَةً،

که تو رسوایم نکردی، عیبم را آشکار نساختی،

وَلَمْ تَقْطَعْ عَنِّي الرِّزْقَ، وَلَمْ تُسَلِّطْ عَلَيَّ جَبَّاراً،

و روزی ام را قطع نکردی و هیچ ستمگری را بر من مسلط
نساختی.

وَلَمْ تَكْشِفْ عَنِّي غَطَاءَ مُجَازَاةٍ لِّذُنُوبِي،

و به سزای گناهانم مرا رسوا نکردی

تَرَكْتَنِي كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي، كَفَفْتَ عَن خَطِيئَتِي،

مرا چنان رها کردی که گویی گناهی ندارم. از خطایم چشم پوشیدی

وَزَكَّيْتَنِي بِمَا لَيْسَ فِيَّ،

و مرا با چیزی پاک ساختی که در من نبود.

أَنَا الْمُقِرُّ عَلَى نَفْسِي بِمَا جَنْتُ عَلَى يَدَايَ،

منم که علیه خود اعتراف می کنم به جنایتی که دستانم
برضد خودم مرتکب شده اند،

وَمَشَتْ إِلَيْهِ رِجْلَايَ وَبَاشَرَ جَسَدِي،

پاهایم به سویش رفته، بدنم با آن درگیر شده،

وَنَظَرْتُ إِلَيْهِ عَيْنَايَ، وَسَمِعَتْهُ أُذُنَايَ،

چشمانم آن را دیده، گوش هایم آن را شنیده،

وَعَمِلْتُهُ جَوَارِحِي، وَنَطَقَ بِهِ لِسَانِي، وَعُقِدَ ۳ عَلَيْهِ
قَلْبِي،

اعضا و جوارحم به آن عمل کرده، زبانم بدان گویا شده و
قلبم به آن معتقد شده است.

فَأَنَا الْمُسْتَوْجِبُ يَا إِلَهِي زَوَالَ نِعْمَتِكَ، وَمُفَاجَأَةً ۴
نِقْمَتِكَ، وَتَحْلِيلَ عُقُوبَتِكَ

محبوبم! بنابراین من مستحق زوال نعمت تو، و فرود ناگهانی
خشم و گرفتاری در عذابت هستم،

لِمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَضَيَّعْتُ مِنْ
حُقُوقِكَ،

به واسطه گناهان گستاخانه ای که در برابر تو مرتکب
شدم و حقوقی که از تو پایمال کردم.

أَنَا صَاحِبُ الذُّنُوبِ الْكَثِيرَةِ الْكَبِيرَةِ الَّتِي
لَا يُحْصَى ۵ عَدْدُهَا، وَصَاحِبُ الْجُرْمِ الْعَظِيمِ،

من همانم که گناهان بزرگ و بی شماری انجام داده‌ام که
شمارش آن‌ها غیر ممکن است، من جرم بزرگی مرتکب شده‌ام

أَنَا الَّذِي أَحْلَلْتُ الْعُقُوبَةَ بِنَفْسِي وَأَوْبَقْتُهَا بِالْمَعَاصِي
جُهْدِي وَطَاقَتِي، وَعَرَّضْتُهَا لِلْمَهَالِكِ بِكُلِّ قُوَّتِي.

منم که با دستان خود عذاب را خریدم و با گناهانم، تا
آخرین توانم، خود را به هلاکت انداختم و با تمام قوتم،
خویش را در معرض نابودی قرار دادم.

اللَّهُمَّ ۶ أَنَا الَّذِي لَمْ أَشْكُرْ نِعَمَكَ عِنْدَ مَعَاصِيَّ
إِيَّاكَ،

خداوندا! من همان کسی هستم که هنگام نافرمانی‌ات،
نعمت‌هایت را سپاس نگفتم،

وَلَمْ أَدْعَهَا فِيكَ عِنْدَ حُلُولِ الْبَلِيَّةِ، وَلَمْ أَقِفْ عِنْدَ
الْهَوَى، وَلَمْ أَرَأِ قَبْكَ،

و حتی هنگام نزول بلا نیز معصیت را کنار نگذاشتم و در
برابر هوای نفسم نایستادم و از تو پروا نکردم.

يَا إِلَهِي أَنَا الَّذِي لَمْ أَعْقِلْ عِنْدَ الذُّنُوبِ نَهْيَكَ،

محبوبم! من همان کسی هستم که هنگام گناهان، به
نهی تو فکر نکردم

وَلَمْ أَرَاقِبْ عِنْدَ اللَّذَّاتِ زَجْرَكَ، وَلَمْ أَقْبَلْ عِنْدَ
الشَّهْوَةِ نَصِيحَتَكَ،

و هنگام لذت‌ها، نهی تو را در نظر نداشتم و هنگام خواهش
نفس، نصیحت تو را نپذیرفتم.

رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْحِلْمِ، وَغَدَوْتُ إِلَى الظُّلَمِ بَعْدَ
الْعِلْمِ.

به جای بردباری، نادانی را در پیش گرفتم و به جای آگاهی
به سوی ستمگری شتافتم.

اللَّهُمَّ فَكَمَا حَلُمْتُ عَنِّي فِيمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ
مَعَاصِيكَ،

خداوندا! همان گونه که در برابر گناهان گستاخانه من
بردباری کردی

وَعَرَفْتُ تَضْيِيعِي حَقَّكَ، وَضَعْفِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ،
وَرَكُوبِي مَعْصِيَتِكَ،

در حالی که آگاه بودی که حق تو را تباه ساختم، از سپاس
نعمت عاجز ماندم و بر راه نافرمانی ات گام نهادم،

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَسْتُ ذَا عُدْرِ فَاَعْتَذِرْ،^۷ وَلَا ذَا حِیَلَةٍ
فَاَنْتَصِرَ.^۸

خداوندا! من نه عذری دارم که با آن عذر بخواهم و نه چاره‌ای
که با آن پیروز شوم.

اَللّٰهُمَّ قَدْ اَسَاۗءْتُ وَظَلَمْتُ، وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ،
خداوندا، من بد کردم و ستم نمودم، و چه بد کاری کردم!
عَمِلْتُ سُوءًا وَلَمْ تَضُرَّكَ^۹ ذُنُوْبِیْ،
گناه کردم هر چند گناهانم به توزیانی نرساند.

فَاَسْتَغْفِرُكَ یَا سَيِّدِیْ وَمَوْلَایَ وَسُبْحَانَكَ ﴿لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ﴾.
از تو آمرزش می‌طلبم ای سرور و مولای من و تو پاک و منزهی.
«محبوبی جز تو نیست، تو پاک و منزهی، بی‌تردید من از
ستمگرانم.»

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُهُ غَیْرِیْ، وَلَا اَجِدُ مَنْ
یَرْحَمُنِ سِوَاكَ،

خداوندا، تو حتماً کسانی جز من را برای عذاب کردن داری،
ولی من جز تو کسی را برای رحم کردن به خود ندارم.

فَلَوْ كَانَ لِي مَهْرَبٌ لَهَرَيْتُ، وَلَوْ كَانَ لِي
مَصْعَدٌ فِي السَّمَاءِ أَوْ مَسْلَكٌ فِي الْأَرْضِ لَسَلَكْتُ،

پس اگر راه فراری داشتم، قطعاً به سوی آن می گریختم، و
اگر نردبانی به آسمان یا راهی در زمین داشتم، آن را می پیمودم

وَلَكِنَّهُ لَا مَهْرَبَ لِي وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى وَلَا مَأْوَى
مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

ولی هیچ راه فرار و پناهگاه و راه نجات و مأوای از توجز به سوی
خودت ندارم.

اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنَا، وَإِنْ تَرْحَمْنِي
فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ،

خداوندا! اگر مرا عذاب کنی، سزاوار آنم؛ و اگر بر من رحم
کنی، زیبنده توست،

بِمَنْنِكَ وَفَضْلِكَ وَوَحْدَانِيَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّائِكَ
وَعَظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ،

به بخشش و فضلت و به یگانگی و شکوه و بزرگی و عظمت و
سلطنتت (بر من رحم کن).

فَقَدِيمًا مَا مَنَنْتَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ، وَمُسْتَحِقِّي عُقُوبَتِكَ
بِالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ،

پیش از این، چه بسیار بر دوستان منت نهادهی و بندگان
مستحقان کيفرت را بخشیدی و آمرزیدی.

سَيِّدِي عَافِيَةً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ عَافِيَتَكَ؟! وَعَفْوً
مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ عَفْوَكَ؟

سرور من! اگر عافیت و نیک بختی را از تو نخواهم، پس آن را از
چه کسی بخوایم؟ و اگر گذشت و بخشش را از تو نخواهیم،
پس آن را از که جویم؟

وَرَحْمَةً مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ رَحْمَتَكَ؟ وَمَغْفِرَةً مَنْ
أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ مَغْفِرَتَكَ؟

و اگر به رحمت تو امیدوار نباشم، به رحمت چه کسی امید
ببندم؟ و اگر آمرزش تو را تمنا نکنم، آمرزش چه کسی را
تمنا کنم؟

وَرِزْقَ مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُ رِزْقَكَ؟ وَفَضْلَ مَنْ أَرْجُو
إِذَا لَمْ أَرْجُ فَضْلَكَ؟

و اگر به روزی تو امید نداشته باشم، به روزی چه کسی
امید داشته باشم؟ و اگر به تفضل تو امید نبندم، به تفضل
چه کسی امید ببندم؟

سَيِّدِي أَكْثَرْتَ عَلَيَّ مِنَ النِّعَمِ، وَأَقَلَّلْتَ لَكَ مِنَ
الشُّكْرِ،

سرورم! نعمت‌های بسیار بر من بخشیدی و من بسیار اندک
سپاسگزاری کردم.

فَكَمْ لَكَ عِنْدِي مِنْ نِعْمَةٍ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ!
چه بسیار نعمت‌هایی که به من دادی که کسی جز تو
شمارشان را نمی‌داند!

مَا أَحْسَنَ بِلَانِّكَ عِنْدِي، وَأَحْسَنَ فِعَالِكَ،
چقدر ابتلا و آزمونت و نیز کردار و افعالت به من نیکوست!

نَادَيْتُكَ مُسْتَغِيثًا مُسْتَصْرِخًا فَأَغْنَيْتَنِي،
تو را در حالی خواندم که از شدت نیاز و اضطراب فریادم بلند
بود، و آنگاه توبه فریادم رسیدی.

وَسَأَلْتُكَ عَائِلًا فَأَغْنَيْتَنِي، وَنَائِيْتُ فَكُنْتُ قَرِيبًا
مُجِيبًا،

از تو نیازمندانه کمک خواستم، پس بی‌نیازم ساختم. از تو
دوری گزیدم، ولی تو نزدیکم بودی و اجابتم کردی.

وَاسْتَعْنْتُ بِكَ مُضْطَرَّاً فَأَعَنْتَنِي، وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ،

در حال اضطرار از تویاری خواستم، پس یاریم کردی. و بر من
گشایش ایجاد کردی

وَهَتَفْتُ إِلَيْكَ فِي مَرَضِي فَكَشَفْتَهُ عَنِّي، وَانْتَصَرْتُ
بِكَ فِي رَفْعِ الْبَلَاءِ.

و در بیماری ام تو را خواندم، پس آن را از من برطرف کردی و
در دفع بلا، به یاری تو پیروز شدم.

فَوَجَدْتُكَ يَا مَوْلَايَ نِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ،
وَكَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ يَا إِلَهِي؟!

مولای من، آنگاه دریافتم که تو چه نیکو سرور و چه نیکو
یاوری هستی! محبوب من، چگونه سپاس تو نگویم؟

أُطْلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ، وَأَضَاءَتْ لِي
بَصَرِي بِلُطْفِكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ،

به رحمت خود، زبانم را به ذکر تو گشودی و به لطفت،
چشمانم را روشن ساختی تا حجتی از جانب تو بر من باشد.

وَسَمِعْتُ أَذْنَائِي بِقُدْرَتِكَ نَظراً مِنْكَ، وَدَلَّلْتَ
عَقْلِي عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي،

و گوش هایم به قدرت تو شنوا شد، که این نیز توجهی از سوی
تو بود. و عقلم را بر سرزنش نفسم راهنمایی کردی.

إِلَيْكَ أَشْكُو ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا مَجْرَى لِبَيْتِهَا إِلَّا إِلَيْكَ،

از گناهانم تنها به تو شکایت می‌آورم، زیرا جز تو کسی نیست که بتوانم آنها را با او بازگو کنم.

فَفَرِّجْ عَنِّي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي،

پس آنچه که باعث تنگی سینه‌ام شده را از من برطرف کن

وَحَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي مِنْ أَمْرِ

دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي،

و مرا از هر چه می‌ترسم که برای دین و دنیا و خانواده و دارایی‌ام پیش بیاید، خلاص کن.

فَقَدْ اسْتَصْعَبَ عَلَيَّ شَأْنِي، وَشُتِّتْ " عَلَى أَمْرِي،

وَقَدْ أَشْرَفْتُ عَلَى هَلَكَتِي نَفْسِي،

کارم سخت شده، و امورم پریشان گشته و نفسم مرا به هلاکت نزدیک کرده است،

وَإِذَا لَمْ تَتَذَارَكْنِي " مِنْكَ بِرَحْمَةٍ تُنْقِذُنِي بِهَا فَمَنْ

لِي بَعْدَكَ يَا مَوْلَايَ؟!

اگر تو با رحمت خودت به دادم نرسی و نجاتم ندهی، ای مولای من، چه کسی جز تو را دارم؟!

أَنْتَ الْكَرِيمُ الْعَوَّادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا اللَّئِيمُ الْعَوَّادُ
بِالْمَعَاصِي،

تو آن بخشنده‌ای که پی در پی آمرزش را شامل حال من
می‌کنی، و من آن فرومایه‌ام که پی در پی گناه می‌کنم،

فَاحْلُمْ يَا حَلِيمٌ عَنْ جَهْلِي، وَأَقْلِنِي يَا مُقِيلُ عَثْرَتِي،
وَتَقَبَّلْ يَا رَحِيمٌ تَوْبَتِي،

پس ای بردبار! در برابر نادانی من صبوری کن، و ای بخشنده
خطاها! لغزش‌های مرا ببخش، و ای مهربان! توبه‌ام را بپذیر.

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَلَا بُدَّ مِنْ لِقَائِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ،
وَكَيْفَ يَسْتَغْنِي الْعَبْدُ عَنْ رَبِّهِ؟!

سرور و مولای من! ملاقات با تو بر هر حال رخ می‌دهد. حال
چگونه ممکن است بنده از پروردگارش بی‌نیاز باشد؟!

وَكَيْفَ يَسْتَغْنِي الْمُذْنِبُ عَمَّنْ يَمْلِكُ عُقُوبَتَهُ
وَمَغْفِرَتَهُ؟!

و چگونه گناهکار می‌تواند از کسی بی‌نیاز باشد که اختیار
کیفر و بخشش او را دارد؟!

سَيِّدِي لَمْ أَزِدْ إِلَّا إِلَيْكَ إِلَّا فَقْرًا، وَلَمْ تَزِدْ عَنِّي إِلَّا
غِنًى،

سرورم! هر لحظه بر فقر و نیازمندی من به درگاه تو و بی نیازی تو
از من، افزوده می شود

وَلَمْ تَزِدْ ذُنُوبِي إِلَّا كَثْرَةً، وَلَمْ يَزِدْ عَفْوَكَ إِلَّا
سَعَةً،

من فقط به کثرت گناهانم افزوده ام، ولی تو همواره
بخششت را گسترده تر و افزون ساختی

سَيِّدِي ارْحَمْ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَانْتِصَابِي بَيْنَ يَدَيْكَ،
وَطَلْبِي مَا لَدَيْكَ تَوْبَةً فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ،

سرورم! رحم کن به زاری من در پیشگاهت، و به ایستادنم
در برابر تو، و به درخواست کردنم از تو برای توبه از آنچه بین
من و تو گذشته است،

سَيِّدِي مُتَعَوِّذًا بِكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ بَائِسًا فَقِيرًا
تَائِبًا،

سرورم! من به تو پناه آورده ام، با زاری به سوی تو آمده ام،
بیچاره و نیازمند و توبه کارم.

غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكَبِرٍ وَلَا مُسْتَسْخِطٍ بَلْ
مُسْتَسْلِمٍ^{۱۳} لِأَمْرِكَ،

نه سرباز می‌زنم، نه تکبر می‌کنم، و نه ناخشنودم، بلکه
تسلیم فرمان تو هستم،

رَاضٍ بِقَضَائِكَ، لَا آيِسٌ^{۱۴} مِنْ رَوْحِكَ وَلَا آمِنٌ^{۱۵} مِنْ
مَكْرِكَ، وَلَا قَانِطٌ^{۱۶} مِنْ رَحْمَتِكَ،

به قضای تو راضی‌ام، نه از رحمت تو ناامید می‌شوم و نه از مکر
تو ایمن می‌گردم و نه از مهربانی‌ات نومید می‌شوم.

سَيِّدِي بَلْ مُشْفِقٍ^{۱۷} مِنْ عَذَابِكَ، رَاجٍ لِرَحْمَتِكَ
بلکه ای سرور من! از عذاب تو هراسانم و به رحمت تو امیدوارم،

لِعِلْمِي بِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ فَإِنَّهُ لَنْ يُجِيرَنِي
مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا أُجِدُّ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً.

زیرا ای سرور و مولای من، می‌دانم که قطعاً هیچ‌کس مرا از
تو پناه نخواهد داد، و جز تو پناهگاهی نمی‌یابم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحْسُنَ^{۱۸} فِي رَامِقَةِ الْعُيُونِ
عَلَانِيَتِي، وَتَقْبَحَ^{۱۹} فِيْمَا أَخْلُوْلَكَ سَرِيرَتِي،

خداوندا! به تو پناه می‌برم از اینکه ظاهر من در دیدگان مردم
نیکو جلوه کند، ولی باطنم در خلوت با تو زشت باشد؛

مُحَافِظًا عَلَى رِيَاءِ^{۲۰} النَّاسِ مِنْ نَفْسِي، وَمُضَيِّعًا مَا
أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي،

از اینکه برای ریاکاری در برابر مردم از خود مراقبت کنم،
ولی آنچه را توازن می بینی و از آن آگاهی، ضایع گردانم؛

فَأُبْدِي^{۲۱} لَكَ بِأَحْسَنِ أَمْرِي، وَأَخْلُوْكَ بِشَرِّ فِعْلِي
تَقَرُّبًا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِحَسَنَاتِي، وَفَرَارًا مِنْهُمْ إِلَيْكَ
بِسَيِّئَاتِي،

و در نتیجه نیک‌ترین کردارم را در برابر تو آشکار نموده
و بدترین عملم را در خلوت با تو انجام دهم تا به واسطه
نیکی‌هایم به آفریده‌هایت نزدیکی بجویم و با کردارهای بدم
از آن‌ها به سوی تو برگریزم،

حَتَّى كَأَنَّ الثَّوَابَ لَيْسَ مِنْكَ، وَكَأَنَّ الْعِقَابَ
لَيْسَ إِلَيْكَ،

تا آنجا که گویی پاداش از جانب تو نیست، و کیفر و عقاب
مربوط به تو نیست

قَسَوَةً مِنْ مَخَافَتِكَ مِنْ قَلْبِي، وَزَلَلًا عَنْ قُدْرَتِكَ
مِنْ جَهْلِي،

و سبب همه این‌ها آن است که دلم از کمی ترس تو سخت
شده، و از روی نادانی، قدرت تو را نادیده گرفته‌ام و لغزیده‌ام

فِيحِلَّ^{۲۲} بِي غَضْبُكَ،^{۲۳} وَيَنَالَنِي^{۲۴} مَقْتُكَ فَأَعِذْنِي
مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَقِنِي بَوَقَايَتِكَ الَّتِي وَقَّيْتَ بِهَا
عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

(پناه‌م ده از اینکه) خشمت بر من فرود آید و مورد نفرت و
خشم توقرار گیرم. پس مرا از همه این‌ها پناه ده، و با همان
محافظتی که بندگان شایسته‌ات را حفظ کردی، از من نیز
محافظت کن.

اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّيْ مَا كَانَ صَالِحًا، وَاَصْلِحْ مِنِّيْ مَا
كَانَ فَاسِدًا،

خداوندا! هر کار نیکی که از من سرزده، بپذیر، و هر بدی و
فسادی که در من بوده، اصلاح کن.

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحُمُنِيْ، وَلَا بَاغِيًّا وَلَا حَاسِدًا.

کسی را که به من رحم نمی‌کند، و هیچ ستمگر و حسودی
را بر من مسلط مگردان.

اَللّٰهُمَّ اَذْهَبْ عَنِّيْ كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنِّيْ كُلَّ غَمٍّ،

خداوندا! هر اندوه و نگرانی را از من دور کن و هر غصه‌ای را
از دلم بزدای.

وَتَبَّتْ فِي كُلِّ مَقَامٍ، وَاهْدِنِي فِي كُلِّ سَبِيلٍ مِنْ
سُبُلِ الْحَقِّ،

در هر جایگاهی مرا ثابت قدم بدار، و در هر راهی از راه‌های حق
هدایتم کن

وَحُطَّ عَنِّي كُلَّ خَطِيئَةٍ، وَأَنْقِذْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ
وَبَلِيَّةٍ،

هر گناهی را از من فرو ریز، و مرا از هر هلاکت و گرفتاری
نجات ده.

وَعَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاعْفِرْ لِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي

تا زنده‌ام، مرا عافیت ده، و هنگامی که مرا میراندی، بیامرز.

وَلَقِّنِي رَوْحاً وَرَيْحَاناً وَجَنَّةَ نَعِيمٍ أَبَدَ الْآبِدِينَ

و آسایش و روزی و بهشت پر نعمت را برای همیشه و تا ابد به
من برسان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان! و درود خدا بر محمد و خاندان
پاکش باد..

-
- | | |
|------------------------|-----------------|
| ۱. یَقْتَرُونَ | ۱۷. مُشْفِقٌ |
| ۲. سِرًّا | ۱۸. تُحْسِنَ |
| ۳. عَقَدَ | ۱۹. تَفْتَحَ |
| ۴. مُفَاجَاةً | ۲۰. رِثَاءً |
| ۵. تُحْصَى | ۲۱. فَأَبْدِيْ |
| ۶. إِلَهِيْ | ۲۲. فَيَحِلُّ |
| ۷. فَأَعْتَذِرُ | ۲۳. غَضَبِكَ |
| ۸. فَأَنْتَصِرُ | ۲۴. يَنْالُنِيْ |
| ۹. تَضُرُّكَ | |
| ۱۰. اَللّٰهُمَّ فَلَوْ | |
| ۱۱. شَتَّتَ | |
| ۱۲. تَدَارَكْنِيْ | |
| ۱۳. مُسْتَسْلِمٌ | |
| ۱۴. اَيُّسُ | |
| ۱۵. اَمِيْنُ | |
| ۱۶. قَانِطٌ | |